مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

خواجه بشیر احمد انصاری ۲۰۲۳/۰۳/۲۱

بمناسبت یکصد و دهمین سالروز وفات علامه سیدجمال الدین افغانی

مصاحبه با سید جمال الدین افغانی

قرنها بود که بهارستان تاریخ، تمدن، دین، دانش، هنر و فرهنگ در سرزمین ما سپری شده بود و بوم سیاه جهل و جنایت بر شاخه های تیرهء بوستان سوختهء خراسان نعیق سرور سر می داد. مدتها بود که رحم پاکیزهء سرزمین خورشید و بطن کویر زدهٔ آن از پیدایش مردان بزرگ ناتوان مانده بود که ناگهان عقابی از آشیانهٔ سنگین هندوکش به هوا خاست و در آسمان شرق پر گشود و با کلاغان نعشخوار استبداد داخلي و استعمار خارجي در آویخت .

او موجود شگفتی بود که چون طوفانی از کابلستان برخاست و افق خونین مشرق را فرا گرفت. نهیب رعد گونه اش کران تا کران را پر نمود و آذرخش تازیانهٔ منطق کوبنده اش بر پشت و پهلوی ستم پیشگان روزگار فرود آمد.

این مرد فریادی از حلقومش بر آورد که چون صور اسرافیل سکوت قبرستان شرق را در هم شکست و بر مردگان فریاد زد که بر خیزند و سینهٔ اشغالگران را پاره نمایند. دعوتش در گوشها آشنا بود و ندایش از ژرفای روح تاریخ و فرهنگ و حیات و حماسهٔ مردم ما بر می خاست و بر دل و دماغ شان می نشست.

این مرد خصوصیتهای فراواني داشت. او از شهروندان بزرگ جهانی کوچك بود. شرق و غرب، ایران و افغانستان، عرب و عجم، روحانیت و روشنفکري ، تشیع و تسنن و بالآخره فلسفه و عرفان در درون این ابر انسان بهم آمیخته بودند. او چون عطار و مولانا عشق می ورزید و چون فارابی و ابن رشد می اندیشید و چون غزالی تجدید اندیشهٔ دینی را هدف خود ساخته بود. این مرد بسان تاریخسازان بزرگ نوع بشر دوستان و دشمنان فراوانی داشته، عده ای او را تیوری پرور بزرگ نهضت های آزادیخواهانهء شرق مي دانند ولی کساني هستند که حتی پس از گذشت یکصد و ده سال باز هم سایه و خاطره اش را بمباران میکنند. او گوهری بود که در میان دو سنگ آسیاب افراط و تفریط قرار گرفته بود. میراث مبارزاتی سید به ما می رساند که قافله سالار راه حق و عدالت و آزادی در مسیر دشوار مبارزهٔ خویش پیوسته هدف تهمت ها و سنگ اندازی های دشمنان حقیر و فرومایه خصوصاً جاهلانی که خود را دانا مي شمردند و کورانی که خویش را بصیر مي انگاشتند، قرار گرفت ولی او اینطور نکرد که در برابر عوعو هر جانوری ایستاده شده تا سنگی به دهنش بکوبد، زیرا او مي دانست که این کار حرکت وي را در مسیر اصلی اش کند ساخته و در نتیجه دیرتر به هدف خواهد رسید.

ماه مارچ میلادي تداعیگر چندین مناسبت بزرگ بوده و با فرا رسیدن نهم همین ماه، فرزندان آزادهء کشور های حوزهء ما از سالروز رحلت روحاني استعمار ستیز و فیلسوف خرافات گریز شرق حضرت سید جمال الدین افغانی تجلیل بعمل می آورند. ولي اگر کسی خواسته باشد تا تجلیلی شایسته از آن قافله سالار نستوه بعمل آورد باید سراغ اندیشه هایش رفته و خوشه ای از آن نخل بلند برچیند، زیرا ما امروز سخت نیازمند افکار بلند این انسان بزرگ هستیم. در عصری که فرهنگ حقارت و مزدوري و روحیهء خود باختگي و بي تفاوتي همه جا را فرا گرفته و دهل هیچی و پوچي گوشها را کر کرده است، نیاز داریم تا لحظه ای در پیشگاه آن روح بزرگ زانو زده و از شعله تابان فکر او شمعي فرا راه خویش بیفروزیم.

ما دو نام موزون و دو ستارهء بسیار تابناکي در آسمان کشور خویش داریم که یکي آن جلال الدین است و دیگرش جمال الدین. «جمال» و «جلالِ» دین، نه تنها مرز های جغرافیای تنگ خاك و نژاد را در نوردیده که حتی بر زمان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

خويش نيز سبقت جسته بودند. پرسشهايي كه در ذيل اين مقدمه طرح مي گردد، علامه هاي استفهامي است كه در ذهن و انديشه انسان نسل ما نقش بسته است. بيائيد پاسخ اين سوالها را در لابلاي ادبيات سياسی خود او جستجو نموده و به بانگ آشنايي گوش نهيم كه از قله های بلند قرن نزدهم ميلادي چون رعد مي خروشد و سكون مرگبار زمان را در هم شكسته و گوشها را نوازش می دهد(1) .

سوال: سيد بزرگوار، از آن زماني كه رحلت فرموده ايد تا امروز شما يكی از جنجال برانگيز ترين چهره هاي تاريخ كشور ما بصورت عموم و شرق بطور خصوص گرديده ايد، شما خود در اين باب چه گفتنی داريد؟

جواب: « انگريز ها مي پندارند كه روسی ام من، مسلمانان در فكر اند كه مجوسی ام من، سنی ها شيعه گويان صدايم زنند و دوستداران علی دشمنم خوانند. امامت خواهان بابی گويندم، در نظر ملا ها كافر و ملحدم من، اما تحفة الفتی از كافر نديدم من، فقهی و عالم دور از علم دانندم و جاهلان دلدادهء علمم خوانند، عاشقان اسلام مرا از خود نمی دانند اما دشمن مرا سپاهی اسلام می گويد، از مسجد برونم كردند و در بتكده زندانيم ساختند(2) .«

سوال: اين سخن شما كاملاً درست و بجا است ولي باز هم آيا مي توانيد براي ما بگوئيد كه شما در كجا و چه وقت بدنيا آمده و چرا هميشه در حال سفر بوده ايد؟

جواب: « چه سودي از اين حاصل مي شود كه شما بدانيد كه من در سال 1254 هجري به دنيا آمده ام ... و مجبور به ترك افغانستان شدم .... و سپس مجبور به ترك هند نيز گرديدم و پس از آن مرا وادار نمودند تا سرزمين مصر را نيز ترك كنم بلكه مي تواني بگوئي كه از مصر و آستانه و پايتختهاي ديگر جهان تبعيد شدم. آنچه ياد آور شدم خاطراتي است كه نه باعث سرور من مي شود و نه هم كدام فائده اي براي مردم دارد(3) .«

سوال: امروز دولتمردان نشسته بر اريكهٔ قدرت در كشور ما همه هست و بود ميهن را در پای مافيای بين المللی ريخته اند ، موقف جنابعالی در اين باره چيست؟

پاسخ: « لعنت خدا باد بر كسی كه بخاطر بيماری ای كه در دل دارد، در حق كشور خويش خيانت می نمايد. لعنت خدا باد بر انسانی كه ملتش را در برابر امتيازات پوچ و بيهوده می فروشد. لعنت خدا باد بر كسانی كه بيگانگان را در سرزمين شان راه می دهند. محروم از شرافت اسلامی باد كسی كه راه را برای آقايی بيگانگان و مزدوری هموطنان خويش هموار می سازد(4) «.

سوال: علامهٔ بزرگ، ما امروز نهاد های منتخبی چون پارلمان و رياست جمهوری داريم، آيا اين در ذات خويش قدمی ولو كوچک در راه دموكراسی نيست؟

پاسخ: « نيروی پارلمانی اگر از متن و بطن خود ملت نشأت نكند، مفهومی ندارد. هر پارلمانی كه در اثر فرمان امير و يا رئيس و يا هم نيروی خارجی روی كار آمده باشد بايد يقين داشته باشد كه بقا و استمراريتش رهن ارادهٔ همان نيرو است(5) .«

سوال: جناب سيد، شما چرا نمی پذيريد كه كشور های خارجي براي برقراري مردمسالاري بدينجا آمده اند؟

جواب: « هر دولت غربي كه وارد يك كشور شرقي مي شود دليل می آورد كه آنها مي خواهند ... آشوبي را فرو نشاند ... و يا فرامين صادر شده را به مرحلهء اجرا در آورد ... و اگر اين بهانه ها و حيله ها كارگر نيفتاد بهانه ... حمايت از مردم آن كشور را پيش مي كنند و يا وقيحانه دعوی دارند كه براي مردم اين كشور ها درس آزاديخواهي و استقلال طلبي مي دهند و يا حق خود اراديت و حكم ذاتي را بصورت تدريجي برای آنها اعطا ميكند و يا با (مراقبت) از ثروتهای شان می خواهد مردم كشور را از فقر نجات دهد(6) «.

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

سوال: ما تصور مي كنيم كه آنچه پيش آمده زود گذر است ، آنها در كنار ما قرار دارند و وعده های خويش را برآورده خواهند ساخت. هر زماني كه فرزندان ما تعليم يافتند و كشور ما سر و سامان پذيرفت و اقتصاد ما ثبات يافت، در آن وقت ما می توانيم آزاد و سربلند و مستقل زندگی كنيم.

جواب: « اين تعليل يك مرد شرقي است، اما آنچه را يك غربي انجام مي دهد عبارت از برنامه اي است كه از كشور خود می آورد و محتوايش اين است: " ملت غافل، ناتوان، نادان، عقب مانده، متعصب از يكسو و بدست آوردن ذخاير فراوان و تطبيق برنامه هاي بزرگ از سوي ديگر نيازمند شيوه ذيل است:

اول: از صحنه راندن هر وطن خواهي كه آشكار شعار وطنخواهي سر می دهد.

دوم: موقع دادن و به خود نزديك ساختن هر پست و دون همتي كه از مبارزه مي گريزد و حق را مطالبه نمي كند.

سوم: ملت را بجان هم انداختن و ميان آنها تفرقه افگندن كه يك طايفه بر گروه و طايفهء ديگر دعواي امتياز و برتري كرده گرچه در كار هاي پيش پا افتاده و بي اهميت هم باشد تا نفرت در برابر همديگر اوج گرفته و در ميان خود به جنگ و جدال بپردازند. همچنان آنها به نفاق افگني ميان يك گروه بسنده نكرده بلكه ميان فرزندان يك خانواده نفاق مي افگنند و بعضي اعضاي يك خانواده را در برابر بعضي ديگر آن خانواده به دشمنی و خصومت واميدارند «. (7)

سوال: جناب سيد! اما شما چرا نمی پذيريد كه آنها ما را در مبارزه با تروريزم حمايت مي كنند؟

جواب: « اين سخن شما به حكايت همان زنگي مستی مي ماند كه كودكي را در آغوش گرفته بود و كودک بيچاره با ديدن سيمای هولناک آن مرد پيوسته می گريست. مرد زنگي در حالي كه قيافه ای حق بجانب بخود گرفته مي گويد: جانم، مترس، من با تو هستم. كودک در پاسخ مي گويد: آنچه سبب ترس و هراس من شده و مرا وادار به گريه و فرياد ساخته چيزی بغير از جناب شما نيست(8) .«

پرسش: نظر شما در باره رهبران سياسي ما چيست؟

پاسخ: « از بد ترين بيماری های شرق ، بيماری اختلاف مردم آن و تشتت افكار آنها است. آنها در امر اتحاد با هم اختلاف دارند و در تأييد اختلاف با همديگر متحد اند. آنها اتحاد نموده اند كه اتحاد نكنند (9) «.

سوال: گروه كوچكی كه امروز بر سرنوشت سياسی كشور مسلط شده است، رهبران سياسی و برخی از روشنفكران را با نيرنگهای گوناگونی خنثی ساخته است. برخی از آنها همينكه در ماشين قدرت سياسی می افتند تفالهً هستی شان از آن سوی ماشين بيرون شده و سرنوشت شان به صندوق تنظيفات تاريخ منتهی می شود. تبصرهً جنابعالی چيست؟

»بيرون شهر استخر پرستشگاهي بود كه مسافران به هنگام شب از ترس تاريكي به درون آن پناه مي بردند، ولي هركس كه درون آن می رفت به طرزي مرموز در مي گذشت. كم كم همه مسافران از اين پرستشگاه ترسيدند و هيچكس پروای آن را نداشت كه شب را در آنجا بگذراند، تا سرانجام مردي كه از زندگي بيزار و خسته شده بود ولي اراده ای نيرومند داشت به درون پرستشگاه رفت، صداهای سهمگين و هراس انگيز از هر گوشه برخاست كه او را به مرگ تهديد مي كرد، ولی مرد نترسيد و فرياد زد: پيش آئيد كه از زندگي خسته شده ام. با همين فرياد يكباره صدای انفجاري برخاست و طلسم پرستشگاه شكسته شد و از شكاف ديوار هايش گنجينه های معبد پيش پای مرد فرو ريخت. بدينسان آشكار شد كه آنچه مسافران را مي كشته ترس از خطری موهوم بوده است .... می ترسم روزي مردي كه از زندگي نوميد شده ولی همتی استوار دارد بدرون اين پرستشگاه برود و يكباره در آن فرياد نوميدی برآورد، پس ديوار ها بشگافد و طلسم اعظم بشكند (10) «.

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيكه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزي بڼي پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليږلو مخكي په ځير و لولئ

سوال: امروز در کشور ما بیشتر از هفتاد حزب سیاسی ثبت نام نموده است، نظر جناب شما در این باب چیست؟

پاسخ: « احزاب سیاسی شرق هم درد است و هم درمان. احزاب سیاسی غالباً بخاطر آزادی و استقلال تشکیل شده و در آغاز امر همه باهم دوست اند ولی در نهایت امر همه دشمن می شوند ... ملت با دیدن برنامهٔ احزاب و وعده های دور و نزدیک آنها خرسند شده و از آنها حمایت می نمایند ولی سپس رهبران احزاب مبتلا به خودخواهی و افزون طلبی شده و مصلحت ملت را فدای منافع شخصی خویش نموده و از همین جا است که مردم از احزاب سیاسی کناره گیری و خود را جمع نموده ، یا حزب را رها می کنند و یا هم اینکه دشمن حزب مذکور می شوند«.

(11)

سوال: جناب سید، برخی از هموطنان ما معتقد اند که زندگی در جوامع غربی انسان را آلوده می سازد، فتوای جناب شما در این باب چیست؟

جواب: « اين مملكتها جامه و ذهن و معده را نجس مي كند و لكن آن بلاد، عقل و روح و نفس ناطقه انسان را ملوث مي گرداند، چونكه بيچاره ها بجهت تضارب آراء فاسده و تلاطم اطماع فاسده و هيجان اخلاق رذيلة ابالسه محتاج مي شوند كه دروغ گويند و تزوير و مكر و خدعه بكار برند و از طريق مستقيم منحرف گردند و برضد فطرت طاهرهٔ خويش عمل نمايند .... در مملكتي كه افترا گفتن را هنر دانند و دروغ گوئي را كارداني و نميمه را پيشة خود شمارند و بدين صفات شيطانيه در محافل و مجامع مباهات و مفاخرت نمايند وخويشتن به زيركي ستايند؛ چقدر دشوار است سخن از حق راندن و حقيقت علم را آموختن، خصوصاً با جاهلي كه خود را دانا شمارد و كوري كه خويش را بصير انگارد(12) .«

سوال: امروز از زن و حقوق او فراوان حرف می زنند، نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

پاسخ: « مسلمانان اگر به زنان اجازه تحصیل را ندهند، از ضعف ، جهالت و رسوایی نجات نمی یابند. طفل در آغوش مادر خود تعلیم ابتدایی ، تفکر و اخلاق را فرا میگیرد و آغوش مادر اولین مدرسهٔ فطری انسان است که در آن طفل از مسایل دین و دنیا آگاه می گردد و اخلاق و شخصیتش شکل میگیرد ... اگر مادر جاهل، کند ذهن و بی بهره ار علم باشد و با وجود موجودیت مردان لایق و کاردان و جامعه مرفه و آباد، این نعمات هیجگاهی به نسل بعدی انتقال نمی یابد و تمام ملت به زودی در قعر ذلت فرو خواهد غلطید. در عرصهٔ جهان وقتی یک نسل رو به نابودی می رود ، اگر اطفال شان از مادران خود تعلیم و تربیت درست ندیده باشند ، قادر نخواهند بود افتخارات خانوادگی و ملی خویش را حفظ نمایند(13) .«

سوال: امروز در کشور ما نشرات فراوانی بچشم می خورد، شما که پدر ژورنالیزم مبارز در شرق بشمار می روید نظر تان در این باب چیست؟

جواب: « ژورنالیزم کار شریفی است و من خود ژورنالست بوده و در پاریس جریده ای داشتم ..... در این کشور جراید سیاسی ، علمي و ادبي زيادی وجود دارد، در حالی که مردم به یک جریدهء ساده نیاز دارند که برای شان بگوید: پا های تان را بشوئید، دستهای تان را بشوئید، جامه های تان را بشوئید(14) .«

سوال: در پایان این صحبت، آیا سخنی به دوستداران تان دارید؟

جواب: « من با وجود آنکه از مرگ هراسی ندارم ، اما از این غمگینم که تا طلوع بامداد آزادی خاور زمین زنده نمی مانم. ای کاش می توانستم فلسفه و اندیشه های خود را به مردم انتقال دهم تا آن ذهن های مغشوش این همه را می پذیرفت.

آری، من اشتباهاً به این باور بودم که نخست در فکر و ذهنیت پادشاهان و فرمانروایان دگرگونی آورم اما وجدانهای آنها مرده بود و اذهان شان به زمین بی حاصلی می ماند، زیرا هر تخمی که من در آن کاریدم حاصلی ببار نیاورد. اما من باز هم مأیوس نیستم ، آن وقت به زودی فرا رسیدنی است که دربار زمامداران مطلق العنان بر خاک بوسه زند و دوران استقرار دموکراسی فرا رسد و هرکس به حق و عدالت دست یابد(15) .«

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

درود بی پایان خداوند به روح بزرگ ابر مردی که راستی هم بر زمانه اش پیشی جسته بود.
برگرفته شده از کابل ناتهـ

پا ورقي:

1 -آنچه در میان گیمه «» دیده می شود، سخنان دقیق خود سید است که عیناً نقل شده است.

2 -سید جمال الدین افغان: شخصیت و افکار، داکتر شاه عبدالقیوم، ترجمه عبدالرحیم احمد پروانی، بنگاه انتشارات میوند، ص 37- 38

3 -الاعمال الكاملة لجمال الدين الافغاني، محمد عماره، 1968 القاهرة، صفحه- 537 و همچنان خاطرات جمال الدين الافغاني جمعها محمد المخزومي ، دار الحقيقة، بيروت ، 1980 صفحه 16

4 -جمال الدين الأفغاني والثورة الشاملة تأليف السيد يوسف ص - 157

5 -الأعمال الكاملة لجمال الدين الأفغاني - تحقيق محمد عمارة ص -374

6 -ثلاثة من أعلام الحرية، قدري قلعجي، ترجمه نهضت فراهی ، بنگاه انتشاراتی میوند 1381، صفحه 126، پشاور ، پاکستان.

7 -ثلاثة من أعلام الحرية، قدري قلعجي، ترجمه نهضت فراهی ، بنگاه انتشاراتی میوند ، پشاور پاکستان، 1381، صفحه 127 و 128

8 -یکی از شماره های العروه الوثقی که از طرف سید در فرانسه نشر می شد.

9 -خاطرات الأفغاني ، للمخزومي ، و الأعمال الموجزة لجمال الدين الأفغاني - عبدالرحمن الرافعي - القاهرة.

10 -العروة الوثقی صفحات 223- 224، حضرت سید در اینجا حکایت معروف مسجد مهمانکش مولانا را بار سیاسی داده است.

11 -خاطرات الأفغاني، للمخزومي، و الأعمال الموجزة لجمال الدين الأفغاني - عبدالرحمن الرافعي – القاهرة

12 -نامهٔ سید جمال الدین حسینی افغانی عنوانی دوست نزدیکش حاج محمدحسن امین الضرب.

13 -سید جمال الدین افغان: شخصیت و افکار، داکتر شاه عبدالقیوم، ترجمه عبدالرحیم احمد پروانی، بنگاه انتشارات میوند، ص 109- 110

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

14 -الأعمال الكاملة للأفغاني - تحقيق محمد عمارة - ص -327

15 -سید جمال الدین افغان: شخصیت و افکار، داکتر شاه عبدالقیوم، ترجمه عبدالرحیم احمد پروانی،

بنگاه انتشارات میوند، ص 91- 92

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ